

مقدمه

ایمان به خدا از مهم‌ترین موضوعاتی است که بشر از گذشته‌های دور تاکنون با آن روبه‌رو بوده، به توضیح و تفسیر آن از زوایای گوناگون پرداخته است. در تعریف ایمان، هر یک از ملل و فرقه‌ها و بسیاری از صاحب‌نظران علم کلام و تفسیر، به بیان دیدگاه خود درباره مفهوم «ایمان» پرداخته‌اند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۶ و ۱۴۵؛ ج ۱۸، ص ۲۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶؛ مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ایزوتسو (Izutsu)، ۱۳۸۹، ص ۱۵-۵۵؛ کیرکگور (Kierkegaard)، ۱۳۷۸، ص ۶۷؛ تیلیخ (Tillich)، ۱۹۵۷، ص ۲-۷۵). در این میان، علامه طباطبائی معتقد است: ایمان، علم به چیزی است، همراه با سکون و اطمینان به آن و گره خوردن قلب بر مدلول آن (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۶، و ص ۱۴۵). ایمان به چیزی، با مجرد علم به آن چیز حاصل نمی‌شود. آیات قرآن دلالت بر این دارد که ایمان همسان علم نیست. به عنوان نمونه، آیات زیر دلالت دارند بر اینکه علم به خدا می‌تواند با ارتداد، کفر، انکار و گمراهی جمع شود.

«إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ» (محمد: ۲۵)؛ کسانی که پس از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

«وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴)؛ و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی‌که در دل به آن یقین داشتند.

بنابراین، علم به چیزی و جزم به اینکه آن چیز حق است، در حصول و اتصاف به ایمان کفایت نمی‌کند، بلکه افزون بر آن، گره خوردن قلب بر مدلول آن، به گونه‌ای که عمل را فی‌الجمله در پی داشته باشد نیز ضروری است (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۹).

همچنین، شهید مطهری، حقیقت ایمان را تصدیق یا تسلیم قلبی می‌داند. به نظر وی، «حقیقت ایمان، تسلیم قلب است. تسلیم زبان یا فکر و عقل اگر با تسلیم قلب توأم نباشد، ایمان نیست. تسلیم قلب مساوی است با تسلیم سراسر وجود انسان و نفی هرگونه جحود و عناد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۱). به گفته وی، ایمان به هر چیزی عبارت است از: تسلیم و تصدیق به واقعیت آن چیز، آن‌گونه که هست. پس، ایمان مرکب از سه جزء است: یکی درک و تشخیص و شناخت آن چیز، آنچنان‌که هست. دوم، تسلیم در برابر واقعیت آن متناسب با واقعیتش. سوم، عشق و محبت به آن چیز» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۷). بدین ترتیب، عاطفه به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمان، عبارت است از احساس درونی مؤمنان نسبت به خداوند و احساس درونی آنان، که برخاسته از ایمانشان است.

بررسی مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در کودکی و نوجوانی

کج مجتبی حیدری / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ mojabtaheidari50@yahoo.com
 علی عسگری / استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب a.asgari8853@gmail.com
 محمود نوذری / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه mnnowzari@rihu.ac.ir
 سیدمحمدرضا موسوی نسب / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ smrmn1346@gmail.com
 دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۳

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان، با روش مقطعی انجام شده است. ۱۹۸ دانش‌آموز دختر و پسر ۷ الی ۱۷ ساله شهر قم، به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش بر پایه روش بالینی و از طریق مصاحبه انفرادی نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری و توسط پنج کارشناس نمره‌گذاری شدند. داده‌ها با روش تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سن، سطح عاطفه ایمانی نیز افزایش و دگرگونی می‌یابد. همچنین بر پایه نتایج به دست آمده، روند تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان دارای مراحل ذیل است: احساس خدا، به عنوان موجودی مهربان، درد دل کردن با خدا، داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا، داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا. همچنین، مقایسه نمرات دختران و پسران بیانگر تفاوت معنادار دو جنس در این مؤلفه، و بالاتر بودن نمره دختران نسبت به پسران است.

کلیدواژه‌ها: مرحله، تحول، ایمان به خدا، مؤلفه عاطفی ایمان، کودکی و نوجوانی.

۱. تفکر و رفتار دینی، بر اساس تحول شناختی پیاژه تحول می‌یابد. بر اساس تحول‌یافتگی شناختی افراد، می‌توان سطح تحول‌یافتگی دینی آنان را نیز پیش‌بینی کرد؛

۲. با وجود اختلاف در تعداد و سن هر مرحله، تحول دینی، طی مراحل خاصی عمدتاً در کودکی و نوجوانی تحول می‌یابد.

با توجه به اهمیت مؤلفه عاطفی ایمان و نقش آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمان به خدا، پی بردن به چگونگی و مراحل تحول این مؤلفه در کودکان و نوجوانان، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد.

درباره تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا، هر چند در اوایل کودکی، به دلیل محدودیت ابزارها و سطح تحول‌یافتگی کودک، نمی‌توان درباره آن چندان سخن گفت، اما، تعامل تحول عاطفی و شناختی و آموزش‌های دینی، به کودک مسن‌تر اجازه می‌دهد تا وی احساس ایمانی را در سطحی ابتدایی تجربه کند. کودک در این مرحله، به طور طبیعی به پیوند خوردن با اجتماع و فرهنگ دینی روی می‌آورد. وی تلاش می‌کند تا آنها را درونی کند. تحول عاطفی، که به صورت دریافت و توجه به یک امر احساسی و میل به پاسخ‌دهی به آن ظاهر شده، امکان درک احساس ایمانی موجود در اجتماع دینی را فراهم می‌کند. داشته‌های فطری، که در اواخر این مرحله به صورت جست‌وجوی ارتباط داشتن با خدا ظاهر می‌شود، در تعامل با تحول عاطفی و شناختی به کودک، اجازه داشتن حالتی از رابطه داشتن با خدا را می‌دهد. کودک در این حالت، احساس آرامش یا امنیت یا احساس خوشی را تجربه می‌کند. بر طبق اصول و قواعد روان‌شناختی، وقوع تجربه احساس ایمانی متعارف در اواخر این مرحله ممکن است. کودک از طریق ارتباط با اجتماع ایمانی و از طریق مشاهده یا توصیف این‌گونه ارتباطات، آنها را درک و دریافت می‌کند. زمانی که زمینه انگیزشی مناسب پیدا شود، میل به پاسخ‌دهی و تجربه آنها نیز پدیدار می‌شود، به‌ویژه اینکه در این مرحله، کودک تلاش می‌کند تا پدیده‌ها را در دنیای پیرامون خود به صورت نظام‌مند با یکدیگر مرتبط کند. از جمله ارتباط خود را با خدا درک کند و خود را با خدا مرتبط سازد. در مجموع، فعالیت کودک برای درک ارتباط خود با خدا و آنچه در ادیان بدین‌منظور مطرح شده، زمینه تجربه احساس ایمانی متعارف را در کودک در شکلی ابتدایی فراهم می‌کند (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

تحقیقاتی که در زمینه مراحل تحول مفهوم «دعا» انجام شده، به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از عاطفه ایمانی به عنوان یک مؤلفه ایمان به خدا داشته باشیم. مطابق تحقیقات گلدمن (۱۹۶۴)، الکاین (۱۹۷۰) و وولی (Woolley) (۲۰۰۱)، درباره مراحل درک مفهوم دعا، تنها در ۹ تا ۱۲ سالگی است که کودکان به تدریج، دعا را به عنوان گفت‌وگوی با پروردگار و راه تقرب جستن به خدا مطرح می‌کنند.

براین اساس، می‌توان گفت: ایمان دارای سه مؤلفه است: ۱. علم، ۲. عاطفه و محبت، ۳. تسلیم، التزام و پذیرش. وجود هر سه مؤلفه در تحقق ایمان به خدا امری ضروری می‌باشد. در این میان، حوزه عاطفی، با علاقه، انگیزش، نگرش، قدردانی، و ارزشگذاری سروکار دارد (سیف، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶) و به احساس درونی انسان نسبت به یک چیز مربوط می‌شود. هر چند تعاریف متعددی از عاطفه ارائه شده است، اما منظور ما از عاطفه در اینجا، کل طیف احساسات اعم از ترس، شادی، احترام، محبت، تنفر و... می‌باشد (اسپیلکا (Spilka) و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۲). از این رو، عاطفه به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمان به خدا، عبارت است از: احساس درونی مؤمنان نسبت به خداوند و نیز احساس درونی آنان که برخاسته از ایمانشان است.

آیات متعددی از قرآن کریم بر وجود مؤلفه عاطفی در ایمان دلالت می‌کنند. در این آیات، از یک سو ایمان همراه و همگام با سکون، آرامش، تسلیم، اطمینان و... بیان می‌شود؛ و از سوی دیگر، این آیات برخی حالات عاطفی و هیجانی را بین می‌کنند که مؤمنان از خود بروز می‌دهند یا از آنها انتظار می‌رود که در خود متجلی سازند. مانند ترس از خدا، خشیت، محبت، خشوع و... برخی از این آیات عبارتند از:

«... إِيْمَانٌ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (نحل: ۱۰۶)؛

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ...» (نساء: ۶۵)؛

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ...» (انفال: ۲)؛

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» (حدید: ۱۶)؛

روایت زیر در این زمینه قابل توجه است:

«عَنْ قُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمْ مِنَ الْإِيمَانِ هُوَ؟ فَقَالَ: وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات: ۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۲۵).

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های پرشماری در زمینه چگونگی و مراحل تحول تفکر و رفتار دینی توسط اندیشمندان حوزه روان‌شناسی دین، انجام گرفته است. پژوهشگرانی از قبیل هارمز، گلدمن (Goldman)، الکاین (Elkind)، فولر (Fowler) و دیگران، هر یک از زاویه‌ای خاص، به بررسی سیر تحول دینداری پرداخته و به نتایج جالبی دست یافته‌اند. با وجود دیدگاه‌های مخالف معهود، می‌توان گفت: پژوهش‌های مذکور در دو مطلب اشتراک دارند:

و بر اساس پایه تحصیلی و جنس. این پژوهش، در چارچوب مطالعات تحولی و بر اساس یک طرح تحقیق مقطعی انجام شده است. بر اساس این طرح، برای گردآوری داده‌ها دربارهٔ یک یا چند صفت در یک مقطع زمانی، آزمودنی‌ها از طریق نمونه‌گیری از جامعه مورد نظر، مورد مطالعه قرار می‌گیرند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۸۳). برای اجرای این طرح و بر پایه یک طرح نمونه‌برداری طبقه‌ای، از ۱۱ گروه سنی ۷ تا ۱۷ سال، گروه‌های نمونه برابر انتخاب شد تا مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا مورد مطالعه قرار گیرد.

ابزار پژوهش

با توجه به ماهیت تحولی، این مطالعه، گردآوری داده‌ها بر اساس روش بالینی و به‌کارگیری مصاحبه نیمه‌ساخت یافته انجام شد. به اعتقاد بست (۱۳۸۱)، در زمینه‌هایی که انگیزش رفتار آدمی به عنوان ظاهرکننده دلایل اعمال، احساسات و نگرش‌های او مورد توجه قرار می‌گیرد، مصاحبه مؤثرترین روش به شمار می‌رود. این روش، امکان برقراری تماس مستقیم با مصاحبه‌شونده را فراهم می‌آورد و با کمک آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی‌ها پرداخت. از سوی دیگر، مصاحبه ابزاری است که امکان بررسی موضوع‌های پیچیده، پیگیری پاسخ‌ها، یا یافتن علت آنها و نیز اطمینان یافتن از درک پرسش از سوی آزمودنی را فراهم می‌سازد.

فرض بر این است که رشد مؤلفه عاطفی ایمان، تابعی است از عوامل فطری، شناختی و محیطی (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۶۲). در این مسیر، برای تدوین مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا، از نظریه‌های رشد از قبیل نظریه‌های پیازه (Piaget) و کلبرگ (Kohlberg)، و نیز نظریه‌های تحول مذهبی مانند نظریه‌های هارمز (Harms) (۱۹۴۴)، گلدمن (۱۹۶۴)، الکابند (۱۹۷۰)، جنیا (Jenia) (۱۹۹۵)، و یافته‌های نظری نوذری (۱۳۸۹) و نیز پژوهش‌های انجام شده توسط نصیرزاده و چاری (۱۳۸۶)، موسوی‌نسب (۱۳۸۹) و دیگران استفاده شده است. همچنین، روایات ناظر به رشد عاطفی انسان مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهشی و مبانی نظری مذکور، زیرمؤلفه‌های عاطفه ایمانی، آن‌گونه که در زیر می‌آید، مشخص گردید.

- احساس عاطفی از خدا (بیان مهربان بودن خدا)؛

- احساس خوبی، خوشی، آرامش؛

- صمیمی شدن با خدا، در قالب مواردی از قبیل: صحبت کردن و درد دل با خدا؛ احساس نزدیکی

و دوست بودن با خدا؛ احساس رضایت از خدا و احساس شرمندگی و گناه.

تجربه احساس ایمانی در دوره نوجوانی، به شکلی متفاوت با دوره کودکی ظاهر می‌شود. فرایندهای شناختی، عوامل اجتماعی و فرایند هویت‌یابی در این دوره، نه‌تنها زمینه درک و توجه به احساسات ایمانی و میل به پاسخ‌دهی را فراهم می‌کند، بلکه نوجوان را قادر می‌سازد تا اولاً، تمایلات و احساسات خود را با دیگر تمایلات و احساسات مقایسه و ارزش‌گذاری نماید. ثانیاً، خود را نسبت به آنها متعهد سازد و وفاداری خود را به آنها اعلام نماید. ثالثاً، تحقق شخصیت خود و فلسفه‌ای را برای زندگی در نظر بگیرد. بنابراین، برای نوجوانی که به‌دنبال هویت‌یابی است و خداوند در زندگی او حضور چشمگیری دارد، می‌تواند میل به ارتباط با خدا و تجربه احساس ایمانی به یک عطش و جست‌وجوی جدی تبدیل شود (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

آنچه تاکنون بیان شد، نگاهی عمدتاً نظری و بر اساس اصول و قواعد روان‌شناختی، به تحول مؤلفه عاطفی ایمان است، که لازم است با به صورت تجربی و میدانی مورد آزمون قرار گیرد. مطلب دیگر اینکه، همان‌گونه که در بسیاری از تحقیقات دینی در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، تفاوت دینداری در دو جنس دختر و پسر است. تحقیقات متعدد در مناطق مختلف جهان، نتایج مختلفی به بار آورده است. برخی پژوهش‌ها، مؤید وجود تفاوت در سطح و چگونگی دینداری و گرایش زنان و مردان به سوی خدا است (مک‌فادن (McFadden)، ۲۰۰۵، ص ۱۶۸). درحالی‌که برخی دیگر از یافته‌ها، این مطلب را تأیید نکرده و تفاوت در این زمینه را نشان نمی‌دهند (مانند: آرگایل (Argyle) و بیت - هالامی (Beit-Hallahmi)، ۱۹۷۵؛ بنسن (Benson)، ۱۹۹۱؛ بنسن و همکاران، ۱۹۸۹، نقل از پالوتزیان (Paloutzian)، ۱۹۹۶، ص ۱۰۸).

با توجه به تفاوت‌های عمده‌ای که در ساختار، احکام و آموزش و حتی اجرا و آغاز شکل‌گیری و مفاهیم و انجام تکالیف دین اسلام، بین دو جنس وجود دارد، مسئله تحول محتوا و مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در دو جنس نیز یکی از زمینه‌های عمده پژوهش در این مورد محسوب می‌شود. بدین ترتیب، در این پژوهش، تلاش می‌شود مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا، در کودکان و نوجوانان (گستره سنی ۷ تا ۱۷ سالگی) مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که آیا در این زمینه، تفاوتی میان دو جنس دختر و پسر وجود دارد، یا نه.

روش پژوهش

بر اساس مطالعات تحولی و یک طرح تحقیق مقطعی، از جامعه دانش‌آموزان دختر و پسر هفت تا هفده ساله مدارس شهر قم، یک گروه نمونه (۹۵ پسر و ۱۰۳ دختر) انتخاب شدند با روش تصادفی طبقه‌ای

پس از تعیین زیرمؤلفه‌های عاطفه ایمانی به خدا، پرسش‌های مصاحبه طراحی شد. سرانجام، پرسش‌ها توسط استادان فنی و چند متخصص در حوزه روان‌شناسی، علوم تربیتی، روان‌سنجی و علوم دینی، ارزیابی و اصلاحات لازم انجام شد. تعداد کل پرسش‌های طراحی شده برای سنجش مؤلفه عاطفی ایمان، ۶ پرسش بود. پرسش‌های پژوهش در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. سؤال‌های سنجش مؤلفه عاطفه ایمانی

۱. وقتی به خدا فکر می‌کنی احساس می‌کنی اخلاقت چه جوریه؟ می‌شه توضیح بدی؟
۲. موقعی که به خدا فکر می‌کنی چه احساسی پیدا می‌کنی؟ می‌شه توضیح بدی؟
۳. تا حالا شده که دلت بخواد با خدا حرف بزنی و با او درد دل کنی؟ تا حالا این کار رو کردی؟ می‌شه توصیف کنی؟
۴. آیا شده به خدا فکر کنی و احساس خاصی مثل نزدیکی به خدا و دوست داشتن خدا به تو دست داده باشه؟ می‌شه توصیف کنی که احساست چگونه بود؟
۵. تا حالا شده که چیزی از خدا بخوای، خدا خواسته‌ت رو برآورده کنه؟ یا شده که به نعمت‌های خدا فکر کنی؟ می‌شه توضیح بدی؟
۶. برات اتفاق افتاده که یک دستور خدا رو زیر پا بگذاری؟ موقعی که احیاناً به دستور خدا گوش نمی‌دی، بعدش که به این کارت فکر می‌کنی در مقابل خدا چه احساسی بهت دست می‌ده؟

مصاحبه‌ها انفرادی اجرا و صداها ضبط می‌شد. هر مصاحبه، به طور متوسط حدود سی دقیقه طول می‌کشید. پس از پیاده شدن نوارهای صوتی مصاحبه‌ها، پژوهشگر و چهار متخصص روان‌شناسی و آشنا به مفاهیم دینی (در سطح دکتری و دانشجوی دکتری)، به گونه‌ای مستقل متن را تحلیل و بر اساس یک مقیاس امتیازی بدین‌گونه درجه‌بندی کردند:

نمره ۱. احساس خدا به عنوان موجودی مهربان؛ نمره ۲. گفت‌وگو و درد دل کردن با خدا؛ نمره ۳. داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا؛ نمره ۴. داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا. مراحل مزبور برای هر زیرمؤلفه، نمونه‌ها و مصادیق آنها در دوره‌های سنی مختلف ارائه شد. بدین ترتیب، افزون بر گردآوری شواهدی برای مستندسازی، درک جامع‌تری از زیرمؤلفه‌ها و شواهد مربوط به روایی نمره‌گذاری و طبقه‌بندی‌ها به دست آمد. برای اطمینان نسبت به اعتبار درجه‌بندی کنندگان (نمره‌گذاران)، از روش همبستگی درون‌طبقه‌ای (ICC) استفاده شد. این روش، برای بررسی اعتبار بین دو یا چند درجه‌بندی کننده زمانی به کار می‌رود که مقیاس نمره‌گذاری فاصله‌ای یا طبقه‌ای مرتب شده باشد. افزون بر این، همبستگی درون‌طبقه‌ای، به عنوان نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس کل در نظر گرفته می‌شود. نتایج محاسبات نشان می‌دهد که ضریب اندازه واحد مؤلفه عاطفی

ایمان، برابر با ۰/۶۵ است که نشان می‌دهد سطح نسبتاً بالایی از همگونی نمره‌ها، در یک درجه‌بندی کننده نسبتاً مطلوب است. مقدار ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط، که در واقع نزدیک به ضریب آلفای کرونباخ است و واحد تحلیل میانگین همه درجه‌ها یا نمره‌ها است، برای مؤلفه عاطفی ایمان، ۰/۸۷ است که از لحاظ آماری معنادار است و نشان می‌دهد که بین پنج داور این پژوهش، سطح بسیار بالایی از همگونی درونی وجود دارد. برای بررسی روایی ابزار این پژوهش، و نیز روایی مصاحبه و طبقه‌های چهارگانه مؤلفه عاطفی ایمان، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است و ساختار چهارعاملی آن تأیید شد.

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌ها، از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در تحلیل کیفی داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوا، متن مصاحبه‌ها را تحلیل و مقوله‌بندی کرده، سپس پاسخ‌های آزمودنی، با مقوله‌ها و زیرمؤلفه‌ها انطباق داده شد. در بخش تحلیل کمی، افزون بر به کارگیری شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میزان پاسخ‌ها و تشکیل جدول متقاطع، از آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت میانگین مفاهیم تحولی، در گروه‌های مختلف سنی و بررسی همگونی میانگین‌های گروه‌ها، برای طبقه‌بندی آنها استفاده شد.

الف. یافته‌های کیفی

نتایج تحلیل کیفی، بررسی پیشینه پژوهش و نیز ساختار مؤلفه عاطفی ایمان به خدا، به استخراج چهار مقوله‌ای انجامید که ساختار، محتوا و مصادیق آن به قرار زیر است:

مرحله اول: احساس خدا به عنوان موجودی مهربان

۱. هنگامی که از او می‌پرسیم: به خدا که فکر می‌کنی، احساس می‌کنی خدا اخلاقت چه جوریه؟ تصور خود را از خدا به عنوان موجودی مهربان، بیان می‌کند:

- «اخلاقت خوبه» (دختر ۷ساله، پسر ۷ساله)،

- «خدا خیلی مهربونه» (دختر ۷ساله)،

۲. در پاسخ به این سؤال: به خدا که فکر می‌کنی، چه احساسی پیدا می‌کنی؟ می‌گوید: یک احساس خوب پیدا می‌کند، و گاه توصیفی هم از آن ارائه می‌کند. برخی از پاسخ‌ها از این قرارند:

- به خدا که فکر می‌کنم، احساس می‌کنم اخلاق خیلی خوبی داره، مهربون و بخشنده است (پسر ۹ ساله)،

به خدا که فکر می‌کنم، احساس خیلی خوبی پیدا می‌کنم (دختر ۱۰ ساله)،

۲. می‌گوید که با خدا درد دل می‌کند، اما تجربه ارتباط نزدیک و صمیمانه با خدا را نداشته است.

- «بعضی وقت‌ها با خدا حرف می‌زنم. مثلاً، بهش می‌گم: پدر و مادرم سالم باشند. ولی تا حالا باهاش خیلی احساس نزدیکی نکردم که احساس کنم خیلی به من نزدیکه. باهاش تا حالا صمیمی نشدم» (پسر ۹ ساله)،

- «من با خدا حرف می‌زنم و باهاش درد دل می‌کنم. مثلاً، می‌گم پدر و مادرم فوت نکنن، امام زمان ظهور کنه، خدا به اون‌هایی که پول ندارن، بهشون بده. ولی احساس نمی‌کنم که خیلی به من نزدیکه و صدام رو می‌شنوه» (دختر ۱۰ ساله)،

۳. در این مرحله نیز رسیدن به خواسته‌ها یا رفتارهای غلط خود را در ارتباط با خدا قرار نمی‌دهد. لذا در پاسخ این سؤال که «وقتی خدا یک خواسته تو را برآورده کرد، چه احساسی داشتی؟» می‌گوید: «خوشحال شدم، یا احساس خوبی داشتم». در پاسخ این سؤال که «آن موقع که کار بدی کردی، در مقابل خدا چه احساسی داشتی؟» می‌گوید: «احساس بدی داشتم یا ناراحت شدم».

- بعضی وقت‌ها از خدا یه چیزی خواستم، خدا برآورده کرده. اگر من دعا کنم، دعا می‌کنم که پدر و مادرم سالم باشن، همیشه هم سالمن. به همین خاطر، من خیلی خوشحالم. ولی تا حالا نشده که یه کار خدا رو گوش نداده باشم (دختر ۹ ساله)،

- بعضی وقت‌ها به نعمت‌هایی که خدا به ما داده فکر کرده، بعدش در مقابل خدا احساس خوبی داشتم، بعضی وقت‌ها هم یک کار بدی کردم، بعدش احساس بدی داشتم (پسر ۱۰ ساله).

مرحله سوم: رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا

در این مرحله، آزمودنی:

۱. مانند دو مرحله قبل، خدا را «مهربان» توصیف می‌کند، البته با توضیحی که خدا را آمرزنده گناهان و اجابت‌کننده دعاها معرفی می‌کند. به عنوان نمونه، برخی از پاسخ‌ها از این قرارند:

- «خدا خیلی مهربونه، حتی تنهاترین آدم هم که خیلی تنهاست، در واقع تنها نیست، خدا کنارشه همیشه به درد دل‌های ما گوش می‌ده، هر کاری که ازش بخوای برات انجام بده، انجام می‌ده، لطف خدا خیلی بزرگه» (دختر ۱۲ ساله)،

- «احساس خوبی پیدا می‌کنم» (پسر ۷ ساله، دختر ۷ ساله)،

- «احساس خیلی خوب» (پسر ۷ ساله، دختر ۷ ساله)،

«احساس خیلی خوبی پیدا می‌کنم. احساس می‌کنم که من خدا رو خیلی دوست دارم. خدا هم منو خیلی دوست داره» (دختر ۷ ساله)،

۳. کودک در این مرحله، درد دل کردن با خدا را گزارش نمی‌کند، همچنین در سؤال از اینکه آیا برای تو اتفاق افتاده که احساس کنی، خدا خیلی بهت نزدیکه و در کنارته، پاسخ منفی می‌دهد. برخی از پاسخ‌ها به سؤال: «شده با خدا حرف بزنی و درد دل کنی؟» این گونه‌اند:

- «نه، تا حالا با خدا حرف نزد» (پسر ۷ ساله، دختر ۷ ساله)،

- «تا حالا نه نشده» (پسر ۷ ساله)،

- «من نمی‌تونم با خدا حرف بزنام» (دختر ۷ ساله)،

۴. در پاسخ این سؤال: «وقتی خدا یک خواسته تو را برآورده کرد چه احساسی داشتی؟» می‌گوید: «خوشحال شدم» (دختر ۷ ساله، پسر ۷ ساله)، یا «احساس خوبی داشتم» (دختر ۷ ساله و پسر ۷ ساله)؛ و در پاسخ این سؤال: «آن موقع که کار بدی کردی، در مقابل خدا چه احساسی داشتی؟» می‌گوید: «احساس بدی داشتم» (دختر ۷ ساله و پسر ۷ ساله) یا «ناراحت شدم» (دختر ۷ ساله و پسر ۷ ساله).

همچنین با توجه به اینکه تجربه کودکان و نیز خزانه درک کودکان از کارهای خوب یا بد محدود است، برخی از کودکان، تجربه برآورده شدن خواسته‌هایشان از سوی خدا را ندارند، یا به نعمت‌های خدا فکر نکرده‌اند. همچنین برخی می‌گویند: «تا به حال کار بدی انجام نداده‌اند» (دختر ۷ ساله، پسر ۷ ساله). لذا امکان پاسخ‌دهی به این سؤال برای آنها وجود ندارد. به برخی از پاسخ‌ها توجه می‌کنیم:

- یه بار از خدا می‌خواستم که بابام برام یه دوچرخه بخره. برام خرید. اون موقع احساس می‌کردم خدا مهربون‌ترین خداست. ولی تا حالا کار بدی نکردم که ناراحت بشم (پسر ۷ ساله)؛

- یه بار از خدا یه خواسته‌ای داشتم، خدا خواسته‌ام را بهم داد. اون موقع احساس خوبی داشتم، تو ذهنم اومد که خدا چقدر مهربونه. تا حالا نشده که یه دستور خدا رو گوش نداده باشم (دختر ۷ ساله).

مرحله دوم: درد دل کردن با خدا

در این مرحله، آزمودنی:

۱. همانند مرحله قبل، خدا را موجودی مهربان و دارای اخلاق خوب توصیف می‌کند. هنگام فکر کردن به خدا، حس خوبی پیدا می‌کند. به برخی از این پاسخ‌ها توجه می‌کنیم:

«خدا مهربانه. مثلاً، یه نفر که گناه کرده، فوراً گناهش رو نمی‌نویسه. صبر می‌کنه اگر باز هم گناه کرد، می‌نویسه» (پسر ۱۳ ساله).

۲. می‌گوید: که هنگام فکر کردن به خدا احساس آرامش (دلگرمی، محل اتکا داشتن)، یا احساس خوش بودن و خوشحالی می‌کند. مانند:

«احساس می‌کنم کنارمه، همیشه کارهام رو داره می‌بینه» (پسر ۱۲ ساله)،

«احساس خوبی دارم. احساس می‌کنم توی آرامش هستم» (دختر ۱۳ ساله).

۳. با خدا درد دل می‌کند و تجربه رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا را نیز گزارش می‌کند. به برخی از پاسخ‌ها توجه می‌کنیم:

«گاهی وقت‌ها با خدا حرف می‌زنم و درد دل می‌کنم. بعضی موقع‌ها هم احساس می‌کنم که خدا نزدیکمه صدام رو می‌شنوه، اون موقع‌ها همه مشکلاتم رو فراموش می‌کنم» (دختر ۱۲ ساله)،

«گاهی با خدا حرف می‌زنم. اون موقع که دارم، دعا می‌کنم. درد دل می‌کنم، یه احساس خیلی خوبی

دارم که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. انگار خدا پیشمه یه احساس خیلی شیرینیه» (پسر ۱۳ ساله).

۴. رسیدن به خواسته‌ها و یا رفتارهای غلط خود را در ارتباط با خدا می‌بیند و لذا در پاسخ این سؤال که «وقتی خدا یک خواسته تو را برآورده کرد، چه احساسی داشتی؟» می‌گوید: «احساس کردم

خدا به من توجه دارد، احساس کردم خدا مرا دوست دارد». در پاسخ این سؤال: «آن موقع که کار خطایی کردی در مقابل خدا چه احساسی داشتی؟»، می‌گوید: «احساس پشیمانی داشتم، عذاب وجدان

داشتم». به برخی از پاسخ‌ها توجه می‌کنیم:

«موقعی که خدا خواسته‌ام رو برآورده کرد، احساس می‌کردم که خدا من رو دوست داره. اون موقع هم که کار بدی کردم، یه احساس خیلی بدی داشتم. آدم احساس می‌کنه یک شکست خیلی

بزرگی خورده، نتونسته به حرف خدا گوش می‌ده. احساس پشیمونی دارم، احساس می‌کنم وجدانم به درد آمده» (پسر ۱۳ ساله)،

«موقعی که خدا خواسته‌ام رو برآورده کرد، احساس می‌کردم چقدر دوستش دارم، من براش اهمیت داشتم که خواسته‌ام رو برآورده کرده. موقعی هم که کار بدی کرده بودم، احساس خیلی بدی

داشتم، خیلی پشیمان بودم» (دختر ۱۳ ساله).

این‌گونه پاسخ‌ها نشان می‌دهد که فرد هنوز به احساس بندگی و خضوع لازم، که در یک سطح پخته و بالغانه ایمان مطرح می‌شود، دست نیافته؛ چون کارها را بیشتر در ارتباط با خود می‌بیند.

براین اساس، قضاوت می‌کند و اگر به خدا هم توجه می‌کند، در رتبه بعدی است.

مرحله چهارم: داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا

در این مرحله:

۱. مانند مرحله قبل، خدا را مهربان، صبور، اهل گذشت، رحیم و بخشنده، و امثال آن توصیف

می‌کند. مانند:

«خدا خیلی مهربونه. راه توبه گذاشته. تا ثانیه آخر راه بازگشت گذاشته»، (پسر ۱۶ ساله)،

«خدا خیلی خوب و مهربونه» (دختر ۱۵ ساله).

۲. مانند مرحله قبل، می‌گوید که هنگام فکر کردن به خدا، احساس آرامش، خوشی، راحتی، و

خوشحالی می‌کند؛ مانند این پاسخ‌ها:

«آرامش پیدا می‌کنم» (دختر ۱۶ ساله)،

«آرام می‌گیرم. ولی به گناه بخصوص به شب اول قبر که فکر می‌کنم خیلی می‌ترسم» (دختر ۱۷ ساله)،

«احساس اینکه به هر حال یه نظری به ما داره» (پسر ۱۶ ساله)،

۳. تجربه درد دل کردن و داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا را گزارش می‌کند، مانند این موارد:

«من با خدا درد دل می‌کنم. دوستش دارم. همیشه پیشمه. هیچ وقت فکر نمی‌کنم که پیشم نیست.

مطمئنم دوستم داره. بیشتر از همه هوام رو داره» (دختر ۱۵ ساله)،

«بله، حتی شده با خدا با پرویی و با لحن طلبکارانه صحبت کردم. البته این رو درست نمی‌دونم.

بالاخره ما بنده‌ایم و خطاکار» (پسر ۱۶ ساله).

۴. آزمودنی، از حس شکرگزاری و شرمندگی در مقابل خدا نیز برخوردار است. در پاسخ به این

سؤال که «وقتی خدا یک خواسته تو را برآورده کرد، در مقابل خدا چه احساسی داشتی؟» می‌گوید:

«خدا را شکر کردم؛ و یا در پاسخ به این سؤال که «آن موقع که کار خطایی کردی در مقابل خدا چه

احساسی داشتی؟» می‌گوید: «احساس شرمندگی داشتم».

به مواردی از پاسخ آزمودنی‌ها به این سؤال، که: «وقتی خدا یک خواسته تو را برآورده کرد، در

مقابل خدا چه احساسی داشتی؟»، توجه می‌کنیم:

«احساس می‌کنم باید شکر خدا رو به جا بیارم» (پسر ۱۶ ساله)،

«شکرگزاری» (دختر ۱۵ ساله)،

به مواردی از پاسخ آزمودنی‌ها به این سؤال که: «آن موقع که کار خطایی کردی، در مقابل خدا

چه احساسی داشتی؟» می‌گوید: «احساس شرمندگی داشتم»، توجه می‌کنیم:

- «حجالت می‌کشیدم باهاش حرف بزنم» (دختر ۱۶ ساله)،

- «شرمنده بودم، هی با خودم می‌گفتم این چه کاری بود کردم» (پسر ۱۷ ساله)،

جدول ۲. مراحل، زیرمؤلفه‌ها و نمونه پاسخ‌های مصاحبه متعلق به مؤلفه عاطفه ایمانی

مراحل	زیرمؤلفه‌ها	نمونه پاسخ‌ها
۱. احساس خدا به عنوان موجودی مهربان،	<p>۱. خدا را مهربان و خوش اخلاق توصیف می‌کند.</p> <p>۲. از فکر کردن به خدا احساس خوبی پیدا می‌کند.</p> <p>۳. با خدا درد دل نمی‌کند و تجربه صمیمی بودن با خدا را نداشته.</p> <p>۴. تجربه برآورده شدن خواسته خود توسط خدا یا تجربه انجام کار بد را ندارد. اگر داشته، از برآورده شدن خواسته‌اش خوشحال شده یا احساس خوبی داشته و از کار بدش ناراحت شده یا احساس بدی داشته.</p>	<p>خدا اخلاقی خوبه (دختر ۷ ساله، پسر ۷ ساله)</p> <p>به خدا که فکر می‌کنم، احساس خیلی خوبی پیدا می‌کنم (دختر ۷ ساله، پسر ۷ ساله)</p> <p>نه تا حالا با خدا حرف زدم (دختر ۷ ساله، پسر ۷ ساله)</p> <p>من از خدا یک تبت می‌خواستم، بابام برام خرید. بعدش که به این فکر می‌کردم در مقابل خدا به احساس خوبی داشتم. البته نمی‌تونم این احساسم رو بگم چه‌جوری بود، یک بار هم یک کار بد کردم، یک بار داشتم می‌دویدم خوردم به یک پسره خورد زمین دندونش شکست. بعدش خیلی ناراحت بودم (پسر ۷ ساله)</p>
۲. گفتگو و درد دل کردن با خدا	<p>۱. مانند مرحله قبل، خدا را مهربان می‌داند و از فکر کردن به او احساس خوبی پیدا می‌کند.</p> <p>۲. با خدا درد دل می‌کند، اما تجربه صمیمی شدن با خدا نداشته.</p> <p>۳. مانند مرحله قبل، اگر خدا خواسته‌اش را برآورده کرده، خوشحال شده و احساس خوبی پیدا کرده و اگر کار بدی کرده، ناراحت شده یا احساس بدی داشته</p>	<p>به خدا که فکر می‌کنم، احساس می‌کنم اخلاق خیلی خوبی داره، مهربون و بخشنده است (پسر ۹ ساله)</p> <p>من با خدا حرف می‌زنم و باهاش درد دل می‌کنم، مثلاً می‌گم به دو چرخه به من بده. ولی اون موقع این احساس رو پیدا نکردم که خدا پهلوی من و صدام رو می‌شوئه انگار دارم می‌بینمش (پسر ۱۰ ساله)</p> <p>بعضی وقت‌ها به نعمت‌هایی که خدا به ما داده فکر کرده، بعدش در مقابل خدا احساس خوبی داشتم، بعضی وقت‌ها هم یک کار بدی کردم، بعدش احساس بدی داشتم (پسر ۱۰ ساله)</p>
۳. داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا	<p>۱. خدا را مهربان، آمرزنده، صبور، مستجاب‌کننده دعاها توصیف می‌کند.</p> <p>۲. از فکر کردن به خدا احساس آرامش، خوشی پیدا می‌کند.</p> <p>۳. تجربه درد دل کردن و داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا را گزارش می‌کند.</p> <p>۴. از برآورده شدن خواسته‌اش احساس می‌کند مورد توجه خداست و از کار بدش احساس پشیمانی و عذاب وجدان می‌کند.</p>	<p>خدا مهربانه. مثلاً به نفر که گناه کرده فوراً نگاهش رو نمی‌نویسه صبر می‌کنه اگر باز هم گناه کرد، می‌نویسه (پسر ۱۳ ساله)</p> <p>«احساس خوبی پیدا می‌کنم، احساس می‌کنم توی آرامش هستم» (دختر ۱۳ ساله)</p> <p>گاهی وقت‌ها با خدا حرف می‌زنم و درد دل می‌کنم، بعضی موقع‌ها هم احساس می‌کنم که خدا نزدیکمه، صدام رو می‌شوه، اون موقع‌ها همه مشکلاتم رو فراموش می‌کردم (دختر ۱۲ ساله)</p> <p>موقعی که خدا خواسته‌ام رو برآورده کرد، احساس می‌کردم من براش اهمیت داشتم که خواسته‌ام رو برآورده کرده، موقعی هم که کار بدی کرده بودم، احساس خیلی بدی داشتم، خیلی پشیمان بودم (دختر ۱۳ ساله)</p>
۴. داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا	<p>۱. خدا را مهربان، اهل گذشت، صبور، بخشنده، مستجاب‌کننده دعاها توصیف می‌کند.</p> <p>۲. هنگام فکر کردن به خدا احساس آرامش، خوشی، خوشحالی می‌کند</p> <p>۳. تجربه درد دل کردن و رابطه صمیمانه با خدا را گزارش می‌کند.</p> <p>۴. داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در برابر خدا</p>	<p>«خدا خیلی مهربونه. راه توبه گذاشته. تا تائیه آخر راه بازگشت گذاشته» (پسر ۱۶ ساله).</p> <p>احساس آرامش. احساس می‌کنم که کسی پشتم هست که مراقبمه، رها نیستم (دختر ۱۶ ساله)</p> <p>بعضی وقت‌ها با خدا درد دل می‌کنم. گاهی موقع‌ها احساس رفاقت با خدا کردم. من حرف می‌زنم او می‌شوئه و به جورهایی جواب من رو می‌ده (دختر ۱۶ ساله)</p> <p>خدا که خواسته‌ام را داد، احساس کردم باید شکر خدا رو به جا بیارم؛ وقتی به حرفش گوش نکردم، نمی‌تونستم سرم رو در مقابلش بالا بگیرم (پسر ۱۶ ساله)</p>

یافته‌های کمی

مشخصه‌های آمار توصیفی نمره‌های مربوط به عاطفه ایمانی، به تفکیک هر سن و نیز خلاصه آزمون تحلیل واریانس، برای بررسی تفاوت گروه‌ها و آزمون مقابله شفه برای مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها محاسبه و در جدول ۳ نشان داده شده است. عاطفه ایمانی، در ۴ طبقه شامل: احساس خدا، به عنوان موجودی مهربان، درد دل کردن با خدا، داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا، و داشتن حس شکرگزاری، یا شرمندگی در مقابل خدا (به صورت ۱ تا ۴) نمره‌گذاری شده است.

جدول ۳. مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون تحلیل واریانس و مقابله پس‌تجربی شفه نمره‌های مؤلفه عاطفه ایمانی برای همه گروه‌های سنی

سن	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۷	۲۰	۱/۲۳	۰/۲۹	۱	۲	۱۷ تا ۱۰
۸	۱۸	۱/۶۰	۰/۴۴	۱	۲/۴۰	۱۷ تا ۱۱
۹	۱۹	۱/۸۳	۰/۵۸	۱	۳	۱۷ تا ۱۲
۱۰	۱۸	۲/۱۲	۰/۳۵	۱/۸۰	۲/۸۰	۱۷ تا ۱۴
۱۱	۲۰	۲/۴۴	۰/۳۳	۱/۶۰	۳	۱۷ تا ۱۴ تا ۸ تا ۱۵
۱۲	۱۷	۲/۶۹	۰/۵۹	۱/۶۰	۳/۶۰	۱۷ تا ۹ تا ۱۵
۱۳	۱۷	۲/۷۲	۰/۵۰	۲	۳/۶۰	۱۷ تا ۹ تا ۱۵
۱۴	۱۸	۳/۲۵	۰/۴۹	۲/۶۰	۴	۱۱ تا ۱۵
۱۵	۱۷	۳/۲۴	۰/۵۰	۲/۲۰	۴	۱۱ تا ۱۵
۱۶	۱۷	۳/۲۵	۰/۳۹	۲/۶۰	۴	۱۱ تا ۱۵
۱۷	۱۷	۳/۵۰	۰/۳۳	۲/۸۰	۴	۱۳ تا ۱۵

توجه: $F(۱۸۷,۱۰) = ۵۲/۱۱۵$ ، $P < ۰/۰۰۱$.

چنان‌که در جدول ۳ دیده می‌شود، میانگین نمره‌ها با افزایش سن گروه نمونه، بیشتر می‌شود. بیشترین میانگین‌ها، متعلق به گروه‌های سنی ۱۷ با میانگین ۳/۵۰ (با انحراف استاندارد ۰/۳۳) می‌باشد. کمترین میانگین (۱/۲۳)، متعلق به گروه سنی ۷ سال با انحراف استاندارد ۰/۲۹ است. اما میانگین برخی سنین کوچکتر، بزرگتر یا مساوی میانگین سن‌های بالاتر است. برای نمونه، میانگین نمره عاطفه ایمانی در گروه ۱۴ سال (۳/۲۵)، تا اندازه‌ای بیشتر از گروه‌های ۱۵ سال (۳/۲۴) به دست آمده است. همچنین میانگین نمره عاطفه ایمانی، در گروه ۱۶ سال (۳/۲۵) مساوی با نمره گروه ۱۴ سال است.

کمینه و بیشینه نمره‌ها نیز در مؤلفه عاطفه ایمانی، در بین گروه‌های سنی از الگوی یکنواخت افزایشی پیروی نمی‌کنند. برای نمونه، در گروه سنی ۷، ۸ و ۹ سال، حداقل نمره برابر با ۱ و حداکثر نمره در گروه‌های سنی ۱۴، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ سال، برابر با ۴ است.

در بهترین شرایط می‌توان چهار مرحله متمایز را برای تحول عاطفه ایمانی، بر اساس میانگین گروه‌های سنی تعیین کرد. سایر طبقه‌بندی‌ها نشان می‌داد که گروه‌های سنی طبقه‌بندی شده، با طبقه‌های قبل و بعد از خود، همپوشی نسبتاً زیادی دارد. از این رو، تصمیم گرفته شد تا میانگین‌ها بر اساس چهار طبقه (۷، ۸-۱۱، ۱۲-۱۳ و ۱۴-۱۷) طبقه‌بندی شود. نتایج این محاسبات در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون‌های تحلیل واریانس و مقابله پس‌تجربی شفه نمره‌های مؤلفه عاطفه ایمانی برای چهار طبقه سنی همگون

گروه	دامنه سنی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۱	۷	۲۰	۱/۲۳	۰/۲۹	۱	۲	۳، ۴، >
۲	۸-۱۱	۷۵	۲	۰/۵۳	۱	۳	۱، < ۳ و ۴
۳	۱۲-۱۳	۳۴	۲/۷۱	۰/۵۴	۱/۶۰	۳/۶۰	۱، < ۲ و >
۴	۱۴-۱۷	۶۹	۳/۳۱	۰/۴۴	۲/۲۰	۴	۱، < ۳، ۴

توجه: $F(3-194) = 1337/088$ ، $P < 0/001$

چنان‌که در جدول ۴ دیده می‌شود، نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌های چهار طبقه سنی، از لحاظ آماری معنادار است ($F(3-194) = 1337/088$ ، $P < 0/001$). بدین ترتیب، میانگین هر طبقه سنی از میانگین طبقه‌های سنی پس از خود کمتر و از میانگین طبقه‌های سنی پیش از خود، به گونه معنادار بزرگتر است. افزون بر این، کمینه نمره گروه سنی ۷ سال، برابر با کمینه نمره گروه سنی ۸-۱۱ سال و مساوی ۱ است. کمینه نمره به دست آمده در مؤلفه عاطفه ایمانی، برابر با ۱ (برای گروه‌های سنی ۷ و ۸-۱۱ سال) است. بیشینه نمره به دست آمده نیز برابر با ۴ (برای گروه سنی ۱۴ تا ۱۷ سال) است.

تعیین مراحل عاطفه ایمانی بر اساس فراوانی نمره‌ها

برای بررسی بیشتر داده‌ها، تصمیم گرفته شد تا توزیع فراوانی پاسخ‌ها بر اساس طبقه‌های نمره‌گذاری و به تفکیک گروه‌های چهارگانه سنی محاسبه شود. بدین منظور، نخست نمره‌ها بر اساس دامنه مشاهده شده رتبه‌بندی داوران به چهار طبقه تقسیم شد. نتایج این طبقه‌بندی، در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. فراوانی و درصد نمره‌های مؤلفه عاطفه ایمانی بر اساس درجه‌بندی داوران

نمره	n	%
۱	۵۳	۲۶/۸
۲	۷۵	۳۷/۹
۳	۴۵	۲۲/۷
۴	۲۵	۱۲/۶

افزون بر این، نتایج تحلیل واریانس ($F(10-187) = 52/115$ ، $P < 0/001$) نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی از لحاظ عاطفه ایمانی، تفاوت معنادار وجود دارد. بر پایه نتایج حاصل از این آزمون، می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

میانگین گروه سنی ۷ سال، با گروه‌های سنی ۸ و ۹ سال تفاوت معنادار ندارد. اما به گونه معناداری کمتر از گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۷ سال است. بدین ترتیب، دوره ۸ سالگی و نیز تا حدودی ۹ سالگی، دوره گذار به مرحله بعد می‌باشند. میانگین عاطفه ایمانی در آزمودنی‌های ۱۰ ساله، از آزمودنی‌های ۱۴ تا ۱۷ سال کمتر و از آزمودنی‌های ۷ سال بیشتر است. گروه سنی ۱۱ سال، دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۷ تا ۸ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۱۴ تا ۱۷ سال هستند.

آزمودنی‌های ۱۲ و ۱۳ سال، دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به آزمودنی‌های ۷ تا ۹ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه ۱۷ سال هستند. بدین ترتیب، می‌توان گفت: دو گروه سنی ۱۰ و ۱۱ سال، دوره گذار از مرحله قبل به مرحله بعد، در مؤلفه عاطفه ایمانی هستند. همچنین می‌توان دو گروه سنی ۱۲ و ۱۳ سال را به عنوان یک طبقه سنی محسوب کرد.

آزمودنی‌های ۱۵ ساله، میانگین بالاتر و معناداری نسبت به آزمودنی‌های ۷ تا ۱۱ سال به دست آورده‌اند؛ اما نسبت به گروه‌های سنی ۱۲ و ۱۳ سال و نیز گروه‌های سنی ۱۴، ۱۶، و ۱۷ سال، تفاوت معنادار ندارند. بدین ترتیب، می‌توان گفت: ۱۵ سالگی، دوره گذار از یک مرحله به مرحله بعد است.

در گروه سنی ۱۷ سال نیز میانگین عاطفه ایمانی، از گروه‌های ۷ تا ۱۳ سال بیشتر و از لحاظ آماری معنادار است. اما با گروه‌های ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ سال، تفاوت معنادار ندارد. بدین ترتیب، می‌توان گروه‌های سنی ۱۴ تا ۱۷ سال را در یک طبقه سنی قرار داد.

تعیین مراحل عاطفه ایمانی بر اساس میانگین نمره‌ها

برای بررسی دقیق‌تر عاطفه ایمانی در گروه‌های مورد مطالعه و نیز تعیین این مطلب که بر اساس میانگین‌های به دست آمده از درجه‌بندی داوران، به گونه مشخص چند مرحله را می‌توان در تحول عاطفه ایمانی تعیین کرد، از نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس و نیز محاسبه زیرمجموعه‌های همگون میانگین‌ها، چندین بار آزمودنی‌ها در گروه‌های سنی متفاوت طبقه‌بندی شدند. همگونی میانگین‌های هر طبقه و تفاوت آن با سایر طبقه‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد که

میانگین، انحراف استاندارد و خلاصه محاسبات آزمون t گروه‌های مستقل، برای مقایسه میانگین‌های دو گروه دختران و پسران در نمره مؤلفه عاطفی ایمان به خدا، در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. میانگین، انحراف استاندارد و خلاصه آزمون t برای گروه‌های مستقل برای تفاوت دو جنس در تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا

متغیر	دختر		پسر		P	t(۱۹۶)
	SD	M	SD	M		
عاطفه ایمانی	۰/۸۵	۲/۳۲	۰/۸۲	۲/۳۲	۰/۰۰۴	۸/۵۵۷

چنان‌که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، دو جنس از لحاظ عاطفه ایمانی، تفاوت معنادار ندارند. میانگین نمره عاطفه ایمانی دختران بالاتر از عاطفه ایمانی پسران است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که بیشترین درصد پاسخ‌ها (۳۷/۹)، متعلق به نمره ۲ (گفت‌وگو و درد دل کردن با خدا) است. پس از آن، نمره ۱ (احساس خدا به عنوان موجودی مهربان) با ۲۶/۸ درصد، نیز نمره ۳ (داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا)، با ۲۲/۷ درصد قرار دارد. نمره ۴ (داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا)، با ۱۲/۶ درصد، کمترین میزان پاسخ را به خود اختصاص داده است.

همچنین یافته‌های این پژوهش، نشان داد که کودکان و نوجوانان عموماً احساس ایمانی را به مرتبه‌های مختلف آن تجربه می‌کنند. این یافته را می‌توان در درصد فراوانی دوره‌های مختلف سنی مشاهده کرد، به گونه‌ای که در این پژوهش، در حدود ۹۵ درصد از کودکان ۷ ساله، ۴۱ درصد از کودکان ۸ تا ۱۱ ساله، و ۹ درصد از کودکان ۱۲-۱۳ ساله، در مرحله یکم عاطفه ایمانی (احساس خدا به عنوان موجودی مهربان) قرار گرفتند. این مقادیر، برای مرحله دوم عاطفه ایمانی (گفت‌وگو و درد دل کردن با خدا)، ۵ درصد در کودکان ۷ ساله، ۵۵ درصد از کودکان ۸ تا ۱۱ ساله، ۵۳ درصد ۱۲ تا ۱۳ ساله‌ها و ۲۲ درصد ۱۴ تا ۱۷ ساله‌ها توزیع شدند. برای مرحله سوم (داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا)، توزیع به صورت ۴ درصد ۸ تا ۱۱ ساله‌ها، و ۳۲ درصد ۱۲ تا ۱۳ ساله‌ها و ۴۵ درصد ۱۴ تا ۱۷ ساله‌ها به دست آمد. سرانجام اینکه، در حدود ۶ درصد ۱۲ تا ۱۳ ساله‌ها و ۳۳ درصد ۱۴ تا ۱۷ ساله‌ها در مرحله چهارم عاطفه ایمانی (داشتن حس شکرگزاری و شرمندگی در مقابل خدا)، قرار گرفتند.

چنان‌که در جدول ۵ دیده می‌شود، بیشترین درصد پاسخ‌ها (۳۷/۹) متعلق به نمره ۲ (درد دل کردن با خدا) است. افزون بر این، درصد پاسخ‌های درجه‌بندی شده در نمره ۴ (داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا)، کمترین مقدار (۱۲/۶ درصد) است. در عین حال، ۲۶/۸ درصد از آزمودنی‌ها نمره ۱، و ۲۲/۷ درصد نیز نمره ۳ گرفته‌اند. نتایج توزیع فراوانی پاسخ‌های نمره‌گذاری شده، به تفکیک چهار گروه سنی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. فراوانی و درصد نمره‌های مؤلفه عاطفه ایمانی به تفکیک گروه‌های چهارگانه سنی

گروه سنی	۱		۲		۳		۴	
	%	n	%	n	%	n	%	n
۷	۹۵/۰	۱۹	۵/۰	۱	-	-	-	-
۸-۱۱	۴۱/۳	۳۱	۵۴/۷	۴۱	۴/۰	۳	-	-
۱۲-۱۳	۸/۸	۳	۴۲/۹	۱۸	۴۲/۴	۱۱	۵/۹	۲
۱۴-۱۷	-	-	۲۱/۷	۱۵	۳۳/۹	۳۱	۴۳/۳	۲۳

بر پایه نتایج جدول ۶، می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

- اکثریت بسیار بالایی (۹۵ درصد) از گروه سنی ۷ سال، نمره ۱ گرفته‌اند. فقط ۵ درصد حائز نمره ۲ شده‌اند. هیچ‌یک از آزمودنی‌های این گروه سنی در طبقه‌ها نمره‌های ۳ و ۴ قرار نگرفته‌اند.
- از گروه سنی ۸-۱۱ سال، ۵۴/۷ درصد نمره ۲ و ۴۱/۳ درصد نیز نمره ۱ کسب کرده‌اند. هیچ‌یک از آنان نمره ۴ نگرفته‌اند. بنابراین، بیشترین نمره‌ای که آزمودنی‌های این گروه سنی به آن دست یافته‌اند، به ترتیب، به نمرات ۲ و ۱ تعلق دارد.
- در گروه سنی ۱۲-۱۳ سال، بیشترین نمره‌ای که افراد گرفته‌اند، نمره ۲ برای ۴۲/۹ درصد آزمودنی‌های این گروه سنی است. سپس، ۴۲/۴ درصد آزمودنی‌های این گروه سنی، نمره ۳ گرفته‌اند. کمترین نمره این گروه سنی، به طبقه ۴ (۵/۹ درصد) و نمره ۱ (۸/۸ درصد) اختصاص دارد.
- هیچ‌یک از افراد گروه سنی ۱۴-۱۷ سال، در مؤلفه عاطفه ایمانی، نمره ۱ کسب نکرده‌اند. بیشترین نمره کسب شده در این گروه سنی، به نمره ۳ (۴۴/۹ درصد) اختصاص دارد. سپس نمره ۴ (۳۳/۳ درصد) و نمره ۲ (۲۱/۷ درصد) قرار دارند.

تفاوت دو جنس در تحول مؤلفه عاطفی ایمان

برای پاسخ به این پرسش پژوهش، که آیا بین دو جنس (دختر و پسر) از لحاظ مؤلفه عاطفی ایمان به خدا، تفاوت وجود دارد؟ از روش آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد.

به طور کلی، تحقیقات انجام شده درباره مؤلفه عاطفی ایمان اندک‌اند. یافته‌های پژوهشی درباره عواطف ایمانی کودکان نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از آنان، احساس تقرب به خدا را تجربه کرده‌اند (بویاتزیس (Boyatzis)، ۲۰۰۵، ص ۱۳۵). همچنین بر اساس گزارش پایگاه هاردی، که گزارش گذشته‌نگر بزرگسالان از چنین تجاربی را بررسی می‌کند، ۱۵ درصد از چنین تجاربی، در دوران کودکی رخ داده است. مطالعات گذشته‌نگر، غالباً بر سر مضامین متعددی همگرایی داشته است: نخست اینکه، تجارب کودکان غالباً ملامت‌آمیز، ترس، حیرت، ترس و احساس نزدیکی با چیزی بزرگتر از خود است. دوم آنکه بسیاری از بزرگسالان می‌توانند چندین دهه بعد، تجارب کودکی خود را به یاد آورند و دوباره تحت تأثیر آن واقع شوند (فارمر (Farmer)، ۱۹۹۲؛ رابینسن (Robinson)، ۱۹۸۳، ص ۲۳۶).

برخی دیگر از مطالعات داخلی نیز مؤید همین مفهوم است. برای نمونه، نصیرزاده و چاری (۱۳۸۶) در مصاحبه با کودکان ۶ تا ۱۱ ساله ایرانی، از آنان خواسته‌اند که چشم خود را ببندند و به خداوند بیندیشند. سپس هنگامی که نام او را می‌شنوند، احساس خود را بگویند. ۹۲ نفر از کودکان خوشحالی و یک احساس خوب را گزارش کردند. احساس‌هایی مانند آرامش (۹ نفر) و ترس (۲ نفر) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. ضمن اینکه ۱ نفر به خاطر کارهای بدش احساس شرم را منعکس کرد. یافته‌های موسوی‌نسب (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که کودکان بارها احساس نزدیکی به خدا، درد دل کردن و نیاز به گفت‌وگوی با خدا را گزارش کرده‌اند.

همچنین یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که کودکان در این سن بیشتر خدا را با صفاتی به یاد می‌آورند که جنبه عاطفی دارد. براین اساس، کودکان در رتبه نخست صفات مهربانی، بخشندگی، منعم بودن، حاضر بودن، استجابت‌کنندگی و دوستدار بندگان را یادآوری می‌کنند و در رتبه بعد، به صفات خالق بودن، عالم بودن، یگانگی، بزرگی و قادر مطلق بودن اشاره می‌شود. در تبیین این یافته، می‌توان گفت: یادآوری این صفات‌ها حاکی از وجود نوعی علاقه و گرایش فطری نسبت به تمرکز بر این صفات‌ها است و تا حدودی با احساس آنها به هنگام شنیدن نام خداوند همخوانی دارد.

دیدگاه ال‌کایند (۱۹۷۰)، درباره مراحل تفکر دینی بیانگر این یافته پژوهش است. او نظریه خود را با فرایند «جست‌وجوی شناختی» توضیح می‌دهد. جست‌وجوی شناختی، فرایندی است که طی آن نیازها پدیدار می‌شوند و جنبه‌ای از دین، که متناظر با آن نیاز است، آن را برآورده می‌سازد. در نظریه ال‌کایند،

جست‌وجوی شناختی از چهار مرحله عبور می‌کند: «جست‌وجوی نگهداری»، «جست‌وجوی نماد»، «جست‌وجوی رابطه‌ها» و «جست‌وجوی درک».

مرحله سوم ال‌کایند (جست‌وجوی رابطه‌ها)، از اواسط کودکی آغاز می‌شود. طبق نظریه پیاژه، در این مرحله کودک شروع می‌کند تا قواعد منطقی را در شناخت روابط بین اشیا و حوادث در محیط اطرافش به کار گیرد. همچنین به طریق مشابه می‌کوشد تا روابط خودش را با مردم، دنیای اجتماعی و اصول موجود شناسایی کند و خویش را با آن سازگار سازد.

ال‌کایند در کاربردی کردن این ایده، برای دین می‌گوید: کودک که در دو مرحله پیش با مفهوم خدا و نمادهای مربوط به خدا آشنا شده، می‌کوشد رابطه خود را با خدا بشناسد. با خدا ارتباط برقرار کند. به نظر ال‌کایند، پس از آشنایی با مفهوم خدا و نمادسازی، پرسش از چگونگی ارتباط با خدا اجتناب‌ناپذیر است. این مطلب از طریق دعا و نیایش محقق می‌شود. فرد در خلال نیایش می‌تواند نقش خود را در برابر خدا و بعکس شناسایی کند و رابطه خویش را با خدا آشکار سازد (ال‌کایند، ۱۹۷۰، ص ۴۱).

همچنین، پژوهش‌های معدود انجام شده درباره احساس ایمانی نوجوانان، حاکی از وجود احساس نزدیکی و صمیمیت آنان با خدا است. دیوید ال‌کایند و سالی ال‌کایند (۱۹۷۰)، در بررسی تجربه دینی نوجوانان از آنها می‌خواستند که بگویند: «چه زمانی احساس نزدیکی بیشتری به خدا می‌کنند؟» و «آیا هرگز یک تجربه خاص احساس نزدیکی به خدا داشته‌اند؟». فرض بر این بود که سؤال نخست، ناظر بر تجارب مذهبی مکرر فرد و سؤال دوم، ناظر بر تجارب مذهبی قوی اوست. یافته‌ها نشان داد که اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان، تجارب مذهبی شخصی را به عنوان بخشی از زندگی‌شان قلمداد می‌کنند. هرچند که بسیاری بر فعالیت‌ها و مشارکت مذهبی شخصی تأکید کردند. پاسخ ۹۲ درصد، حاکی از تجارب مکرر، و پاسخ ۷۶ درصد نیز بیانگر تجربیات قوی مذهبی بود.

به هر حال، این پژوهش و نیز پژوهش‌های انجام‌شده پیشین، اهمیت مؤلفه عاطفی ایمان به خدا را آشکار می‌کند. از جمله، در آموزش خداشناسی به کودکان، لازم است خدا به عنوان سرچشمه باورهای دینی، به گونه‌ای معرفی شود که دوستی و عشق وی، در دل کودک استقرار یابد؛ چرا که پایداری رابطه با پروردگار، به منزله سرچشمه علم، قدرت، کمال و زیبایی، مستلزم عشق به اوست. پی‌ریزی پایه‌های یگانه‌پرستی در کودک دوره ابتدایی، باید مبتنی بر

ترسیم تجسمی زیبا و ایمنی بخش از خدا در ضمیر کودک باشد. اما ایجاد چنین تجسمی، حاصل ایجاد توانایی کشف روابط است. رابطه خدا با مخلوقات، به‌ویژه با انسان‌ها، انسان‌های خردسالی که هنوز پایبند خصیصه‌های فکری خاص تحول خود هستند و حقیقت را در چارچوب ظرفیت درون‌سازی خویش دریافت می‌کنند و براین‌اساس، گاه به تبیین مادی غیرمادی‌ترین مفاهیم می‌پردازند. بنابراین، آموزش باید امکاناتی فراهم کند تا کودک مجال کشف این روابط را داشته باشد و از راه تجربه‌های عینی مکرر و مأنوس، اندک‌اندک به تجسمی، که نهایت همه مفاهیم است، دست یابد.

آموزش دینی باید پرورش عشق به پروردگار را در صدر هدف‌های خود قرار دهد؛ چرا که با تکیه بر دل‌های آکنده از نور ایمان و عشق به خداست که هرگونه تربیت دینی می‌تواند برای کودک معنای خود را بیابد و از عمق و گسترش برخوردار شود. نیرویی که کودک را به سوی خدا می‌کشاند، چیزی جز عشق به او نمی‌تواند باشد (دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱).

تبیین رابطه جنسیت و تحول عاطفه ایمانی

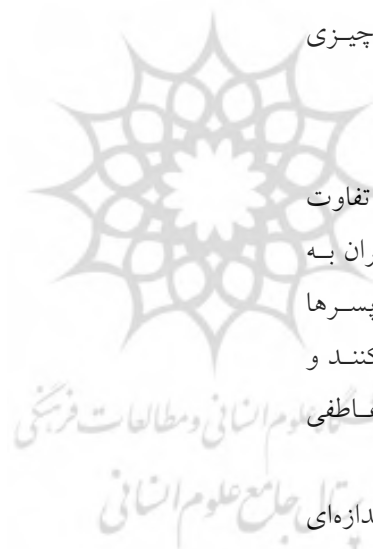
یافته‌های این پژوهش، نشان داد که میانگین نمره مصاحبه دو جنس از لحاظ عاطفه ایمانی، تفاوت معنادار دارد. به‌گونه‌ای که میانگین نمره عاطفه ایمانی دختران، بالاتر از عاطفه ایمانی پسران به دست آمد. بدین ترتیب، می‌توان گفت: دخترها، از عاطفه ایمانی بالاتری، نسبت به پسرها برخوردارند، ارتباط بیشتر و عمیق‌تری با خدا برقرار می‌کنند، بیشتر با او درد دل می‌کنند و احساس نزدیک بودن به او را دارند و به هنگام انجام رفتارهای نیک یا ناپسند، احساس عاطفی بیشتری در برابر خدا از خود بروز می‌دهند.

یافته‌های پژوهشی درباره تفاوت دو جنس در دینداری و ابعاد گوناگون تفکر دینی، تا اندازه‌ای متناقض و متفاوت است. برخی پژوهشگران، بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در دینداری تأکید می‌کنند و آن را جزء یافته‌های کاملاً تأیید شده برمی‌شمارند (فرانسیس (Francis)، ۱۹۹۷). اما برخی معتقدند: زنان به طور متوسط در همه جنبه‌ها، از مردان متدین‌ترند و برخی نیز آن را قبول ندارند (آرگایل، ۲۰۰۵، ص ۱۴۳).

یافته‌های بین‌فرهنگی در هیجده کشور نشان می‌دهد که زنان احساس پیوند معنوی و ایمان بیشتری نسبت به مردان دارند (آقابابایی و فراهانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). اما نتایج برخی دیگر از مطالعات (لونتال (Lowenthal) و همکاران، ۲۰۰۲)، در بین چهار گروه مسیحی، یهودی،

مسلمان و هندو نشان داد که زنان فعالیت دینی کمتری نسبت به مردان دارند. با وجود این، بسیاری از پژوهش‌ها نیز تفاوتی میان زنان و مردان، در ابعاد مختلف فهم یا رفتار دینی نیافته‌اند. برای نمونه، یافته‌های *دداستان* (۱۳۸۷) و *موسوی‌نسب* (۱۳۸۹) نشان داد که در هیچ‌یک از پایه‌های تحصیلی، در سطح اکتساب مفهوم خداوند و نیز درباره تحول مفهوم دعا تفاوت بین دختر و پسر مشاهده نمی‌شود.

با وجود این، می‌توان گفت: تفاوت بین دو جنس بیشتر مربوط به باورها و رفتارهای دینی است و نه تفاوت در فهم و درک مفاهیم آن. به همین دلیل، بیشتر پژوهش‌ها بیانگر این است که زنان در مقایسه با مردان مذهبی‌ترند، تجربه‌های دینی بیشتری دارند و تمایل دارند تا نگرش مثبت‌تری نسبت به مذهب داشته باشند (موسوی‌نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲).



منابع

- Farmer, L. J, 1992, Religious experience in childhood: A study of adult perspectives on early spiritual awareness, *Religious Education*, v. 87, p. 259-268.
- Francis, L, 1997, The Psychology of Gender Differences in Religion: A Review of Empirical Research, *in: Religion*, v. 27, p. 81-96.
- Harms, E, 1944, "The development of religious experience in children", *American Journal of sociology*, v. 50, N. 2, p. 112-122.
- Lowenthal, K. M, et al, 2002, Are Women more Religious than Men? Gender Different Groups in UK, *Personality and Individual Differences*, v. 32, p. 133-139.
- McFadden, S. H, 2005, *Points of Connection: Gerontology and the Psychology of Religion*, In: Handbook of the psychology of religion and spirituality, R. F. Paloutzian, & C. L. Park, The Guilford Press.
- Paloutzian, R. F, 1996, *Invitation to the Psychology of Religion*, 2nd ed. Needham Heights, MA: Allyn & Bacon.
- Robinson, E, 1983, *The original vision: A study of the religious experience of childhood*, New York: Seabury Press.
- Tillich, P, 1957, Dynamics of Faith, Harper and Row Publishers, New York.
- Woolley, J. D, & Phelps, K. E, 2001, "The development of children's beliefs about prayer", *Journal of Cognition and culture*, v. 1, p. 136-167

- آقابابایی، ناصر و حجت‌الله فراهانی، ۱۳۹۰، «معنویت و جنسیت»، در: همایش جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی (مجموعه مقالات)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران، ۱۳۹۰، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- ایروتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۹، *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*، ترجمه زهرا پورسینا، تهران، سروش.
- بست، جان، ۱۳۸۱، *روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری*، ترجمه حسن‌پاشا شریفی و نرگس طالقانی، تهران، رشد.
- دادستان، پریخ، ۱۳۸۷، ۱۸ مقاله در *روان‌شناسی*، تهران، سمت.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۸۷، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگه.
- سیف، علی‌اکبر، ۱۳۸۵، *روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)*، تهران، آگه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ۱۳۷۹، *علم الیقین*، ترجمه حسین استادولی، تهران، حکمت.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کیرگگور، سورن، ۱۳۷۸، *ترس و لرز*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۶، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
- موسوی‌نسب، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۹، *بررسی تحول فهم دعا در کودکان و نوجوانان*، رساله دکتری رشته علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نصیرزاده، راضیه و مسعود حسین‌چاری، ۱۳۸۶، «تفاوت‌های جنس، سن و وضعیت اقتصادی-اجتماعی در باورهای مذهبی کودکان»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۶۵-۵۳.
- نوذری، محمود، ۱۳۸۹، *بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی*، رساله دکترای رشته علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- Argyle, M, 2005, *Psychology and Religion: An Introduction*, London, Routledge.
- Boyatzis, C. J, 2005, "*Religious and spiritual development in childhood*" In: R. F Palutzain. & C. L. Park, In: Handbook of Psychology of Religion spirituality, NewYork, the Guilford Press, p. 123-143.
- Elkind, D, & Elkind, S, 1970, Varieties of religious experience in young adolescents, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 2, p. 102-112.
- Elkind, D, 1970, The origins of religion in the child, *Review of Religious Research*, v. 12, p. 35-42.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی